

مثال برای سایر افعال ناقصه :

وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا؛ **ظَلَّ** از افعال ناقصه، **وَجْهُهُ** اسم آن و مرفوع است و **مُسْوَدًّا** خبر آن می باشد که منصوب است.

قُلْ **لَسْتُ** عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ؛ که **لَسْتُ** فعل ناقصه و اسم آن **تُ** و **بِوَكِيلٍ** خبر **لَسْتُ** است و باء در آن زائده ی قیاسی می باشد (= یعنی باء، زائده است چون حذفش خللی به معنا وارد نمی کند؛ و قیاسی است چون باء زائده در نفی به صورت قیاسی می آید).

نکته :

لیس فقط ماضی دارد.

حروف مشبّهة بالفعل :

حروفی که بر مبتداء و خبر داخل شده و مبتداء را به عنوان **اسم خودشان** نصب می دهند و خبر را به عنوان **خبر خودشان** رفع می دهند.

بنابراین عمل حروف مشبّهة بالفعل **بر عکس** افعال ناقصه می باشد.

علّت نامگذاری این حروف به مشبّهة بالفعل به خاطر این است که این حروف دارای بعضی از خصوصیات فعل هستند :

- (الف) این حروف همانند فعل **۳** حرفی و بیشتر از **۳** حرفی می باشند.
- (ب) آخر این حروف مانند فعل ماضی **مبني بر فتح** است.
- (ج) در این حروف **معنای فعل** وجود دارد؛ مثلاً : **كَأَنَّ** به معنای **شَبَّهْتُ** است ...
- (د) همانند افعال **عمل رفع و نصب** انجام می دهند.

مثال :

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ که **إِنَّ** از حروف مشبّهة بالفعل و **اللَّهِ** اسم آن و **سَرِيعُ الْحِسَابِ** خبر آن است.